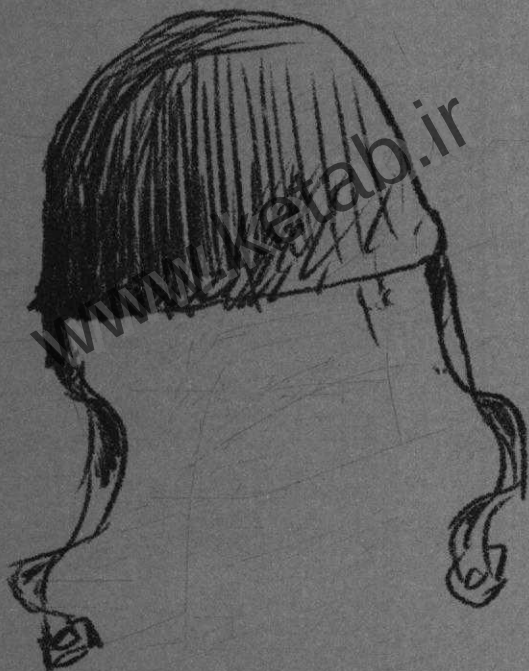


بادهای سرکش هند و گش

زندگی نامه‌ی شهید علیرضا توسلی (ابو حامد)

اولین فرماندهی یگان فاطمیون در سوریه

جواد افهمی



● عنوان: بادهای سرکش هندوکش | زندگی‌نامه‌ی شهید علیرضا توسلی؛ اولین فرمانده‌ی یگان فاطمیون در سوریه | نویسنده: جواد افهمی ●
ویرایش: زهرا حیدری | گرافیک: کارگاه طراحی خط‌مقدم | نوبت چاپ: اول؛ اسفند ۱۴۰۱ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | ناشر: خط‌مقدم

khatemoqadam.com

@khatemoqadam_ir

ق.م. خیابان معلم، مجتمع ناشران، فروشگاه شماره ۲۷ ب

۰۲۵۳۷۸۳۷۶۵۶

۰۹۱۲۹۳۸۳۳۸۷



9 786227 510478

سرشناسه: افهمی، جواد، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: بادهای سرکش هندوکش؛ زندگی‌نامه‌ی شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) اولین فرمانده‌ی یگان فاطمیون در سوریه.

نویسنده جواد افهمی؛ ویرایش زهرا حیدری.

مشخصات نشر: ق.م. خط‌مقدم، ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری: [۵۰۰] ص.؛ مصور (رنگی)؛ ۲۷/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: 978-622-7510-47-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: زندگی‌نامه‌ی شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) اولین فرمانده‌ی یگان فاطمیون در سوریه.

موضوع: توسلی، علیرضا، ۱۳۴۱-۱۳۹۳.

موضوع: شهیدان مسلمان -- سوریه -- سرگذشت‌نامه

Muslim martyrs -- Syria -- Biography

رده بندی کنگره: BP۵۲/۶۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۸۶۹۷

www.ketab.ir



مقدمه

حقیقت امر این است که نوشتن از مردی همچون علیرضا توسلی، با نام جهادی ابوحامد، برایم سخت و طاقت فرسا بود. این حرف، شاید به مذاق دوستانی که در زمینه‌ی تاریخ شفاهی و زندگی‌نامه‌نویسی مجاهدان محور مقاومت تجربه دارند و قلم فرسایی می‌کنند، خوش نیاید. با این حال، اعتراف می‌کنم انعکاس تمام یا بخشی از زوایای پیدا و پنهان زندگی این فرمانده بزرگ و نستوه، مرا که همیشه سعی داشته‌ام در پرداختن شخصیت‌ها با تکیه بر مستندات و مدارک مستدل، بر مسیر اعتدال و منطقی حرکت کنم، خسته کرد و رُسم را کشید. با خود فکر می‌کنم کدام وجه از زندگی توسلی بر پایهی منطق استوار بوده است؟ کدام گوشه از فعالیت‌ها و اعمال این مرد هزاره، طبیعی جلوه می‌کند؟ در کدام مقطع از زندگی سراسر شور و هیجان و حرکتش، پایش روی زمین سفت قراری یافته، و در پشته‌های کدام حرکت انقلابی‌اش، تفکری عقلانی و مصلحت طلبانه خودنمایی می‌کند؟ از همین روست که می‌گویم نوشتن از فرمانده‌ای که جزء به جزء زندگی و مبارزاتش بر سبیل سیر الی الله طراحی شده بوده، کاری شاق و پرهزمت است.

آگاه باشید در این چند خط که به عنوان مقدمه برای مخاطب پی‌جو می‌آورم، قصدم این نیست که از ابوحامد، فرشته‌ای پاک و بی‌عیب و نقص بسازم و او را همچون شخصیت‌های اسطوره‌ای، از دسترس ذهن علاقه‌مندان به زندگی‌نامه‌ی فرماندهان جهادی دور سازم. علیرضا توسلی در اوج خصایص والای ایمان و تقوای الهی هم که بود، هرگز پا را از محدوده‌ی زیست بشری فراتر نگذاشت و

همچون یک انسان؛ یک انسان مؤمن دارای شناخت جامع از محیط اطراف، صاحب قدرت تحلیل و مسئولیت‌پذیری، با فراز و فرودی که از هر انسانی انتظار می‌رود، زندگی را در طول و عرضش ادامه داد و به آخر رساند. نبوغ و استعدادش در امر نبرد، در کنار اشتباهاتی که گه‌گاه از او سر می‌زد، او را مبارزی زمینی با ایمانی راسخ و خلل‌ناپذیر ساخته است.

آنچه در طول زندگی ۴۶ ساله‌ی توسلی، بیشتر از مابقی مشخصه‌هایش نظر را جلب می‌کند، خستگی‌ناپذیری‌اش در جهاد و مبارزه است. ابوحامد از زمان اولین حضورش در جبهه‌های جنگ در سن ۱۶ سالگی، دیگر هرگز خط مقدم نبرد علیه استکبار را ترک نکرد و تا آخرین لحظه‌ی زندگی برای خدا جنگید. با این طرز زندگی ثابت کرد زیستن عقیده است و جهاد در راه آن. خصیصه‌ی دیگر این مجاهد متقی، وابستگی عاطفی به سرزمین مادری‌اش افغانستان است. علیرضا توسلی، جنگیدن در هر جغرافیا، از جبهه‌ی تالقان و دریای کوکچه در شمال افغانستان گرفته تا کردستان ایران و حلب و بلندی‌های لاذقیه در سوریه را، نوعی جنگ برای استقلال و وطن‌دوستی افغانستان قلمداد می‌کرد. تا آخرین لحظه‌ی عمر، خودش را سرباز وطن می‌دانست و قلش برای آزادی و استقلال افغانستان می‌تپید. تشکیل حزبی مقتدر و جامع شبیه حزب الله لبنان، متشکل از مجاهدان شیعه‌ی افغانستانی در سرزمین مادری، رؤیایی بود که همه‌ی عمر برای تشکیل آن کوشید و تلاش کرد و یک لحظه از فکر آن غافل نشد.

آنچه در این مستند مکتوب شده است، شاید همه‌ی آن چیزی نباشد که گویای شخصیت انسانی و جهادی علیرضا توسلی بوده، و نویسنده بر اساس آن اذعان کند حق مطلب در باره‌ی فرمانده ابوحامد ادا شده است. هرگز! ولی امید دارم تلنگری باشد بر اذهان خوانندگان تا با تکیه بر این پشتوانه‌ی مستند، در شناخت هر چه بیشتر او تلاش نمایند.

در پایان، از همه‌ی عزیزان، بالاخص رزمندگان لشکر فاطمیون که پذیرایم بودند و هر جا که سراغ‌شان رفتم، از مسجد الزهرای گلشهر مشهد گرفته تا کارگاه

سنگ‌بری و مغازه‌ی فروش مواد غذایی و تا سنگ‌های نگهبانی و دیده‌بانی در حلب و زینبیه و خان طومان و دیرالزور، به گرمی از من استقبال کردند و با حوصله و دقت به سؤالاتم جواب دادند، کمال تشکر را دارم. دست‌شان و می‌بوسم و برایشان همه‌ی آنچه را که شهید ابوحامد آرزو داشت، آرزو می‌کنم. ضمناً، از نویسنده‌ی محترم کتاب ارزشمند «خاتون و قوماندان»، سرکار خانم قربان‌زاده، برای در اختیار گذاشتن متن کامل مصاحبه‌هایش با همسر شهید ابوحامد، ممنون‌ام و برای ایشان هم آرزوی سلامتی و توفیق دارم.

جواد افندی

تابستان ۱۴۰۱